

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه : پدرام، احمد، ۱۳۳۵ -

عنوان و نام پدیدآور : خانواده و تربیت فرزند/ احمد پدرام.

مشخصات نشر : اصفهان: ترانه پدرام، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری : ۲۰۸ ص.

شابک : 978-600-95488-9-7

وضعیت فهرست نویسی : فیا.

یادداشت : چاپ قبلی: کیاراد، ۱۳۹۲.

موضوع : تربیت خانوادگی

موضوع : \* Domestic education

موضوع : والدین و کودک

موضوع : Parent and child

موضوع : کودکان — سرپرستی

موضوع : Child rearing

موضوع : رفتار والدین

موضوع : Parenting

شناسه افزوده : منصوری بنی، رقیه، ویراستار

رده بندی کنگره : ۱۳۹۵ ع۲/پ۴۹/ HQ

رده بندی دیویی : ۶۴۹/۱

شماره کتابشناسی ملی : ۴۳۴۷۶۹۴

## خانواده و تربیت فرزند

نویسنده: احمد پدرام

ویراستار: رقیه منصوری بنی

انتشارات: ترانه پدرام

طرح جلد: نقیسه میرفندرسکی

عکس جلد: مریم ثامنی

تاریخ چاپ: بهار ۱۳۹۵

نوبت چاپ: هفتم، اول ناشر

تعداد صفحات/ قطع: ۲۰۸/ رقعی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۴۸۸-۹-۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه



آدرس: اصفهان: خ شیخ صدوق شمالی

حد فاصل چهارراه نیکبخت و شیخ مفید

ساختمان سرو - طبقه اول

۰۳۱-۳۶۶۴۱۴۲۲-۳



نشر و پخش کتاب



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	پیشگفتار.....
۱۰	شکوفه‌های عشق.....
۱۱	مقدمه.....
۱۷	پروردن و ادب کردن کودکان.....
۱۹	خانواده و انواع آن.....
۲۷	چرخه‌ی زندگی.....
۲۹	فشارهای روانی یا استرس‌های عمده در خانواده.....
۳۱	نقش تفکر در روابط خانواده.....
۳۹	خانواده و روش‌های گوناگون تربیتی.....
۴۵	کدام روش درست است؟.....
۴۹	احساس گناه در پدر و مادر.....
۵۱	هیچ کس کامل نیست!.....
۵۳	ما، هم زن و شوهر هستیم، هم پدر و مادر.....
۵۷	کودکان رفتار را می‌بینند (یادگیری مشاهده‌ای).....
۶۱	چرا در بچه‌داری خود احساس موفقیت نمی‌کنیم؟.....
۶۵	هزار بار گفته‌ام ولی فایده نداشته است! چرا؟.....
۶۹	جنبه‌های گوناگون رشد.....
۷۳	قدرت، کنترل، انتقادپذیری، روابط عاطفی و... در خانواده.....
۸۹	پوشش پدر و مادر.....
۹۵	گذشت و ایثار به خاطر بچه‌ها.....
۹۹	بچه‌ها و درس خواندن.....
۱۰۳	بازی و کودک.....

## ۵ / خانواده و تربیت فرزند

- ۱۰۷..... کودک و اسباب بازی.....
- ۱۱۱..... آموزگار و تربیت.....
- ۱۱۳..... رشد روانی - اجتماعی کودک و نوجوان.....
- ۱۲۱..... جوانان و عزت نفس یا احترام به خود.....
- ۱۲۷..... فرزند ما و ترس هایش.....
- ۱۴۳..... مذهب در خانواده (یادگیری مشاهده‌ای).....
- ۱۴۷..... خواباندن کودک.....
- ۱۵۵..... کودک و دزدی.....
- ۱۶۱..... کودک و حسادت.....
- ۱۶۵..... کودک و مشکل غذا خوردن.....
- ۱۶۹..... کودک و نوجوان و تلویزیون و کامپیوتر و موبایل.....
- ۱۷۶..... ترانه‌ای برای ترانه.....
- ۱۷۷..... چند راه کار ساده برای برخورد با کودکان و نوجوانان.....
- ۲۰۲..... منابع.....



## پیشگفتار

خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی است که در فرم سنتی خود از پدر، مادر و فرزند (یا فرزندان) تشکیل یافته است. این سه با هم روابط بسیار به هم تنیده و پیچیده‌ای دارند که تا اندازه‌ی زیادی برگرفته و اثر پذیرفته از روابط آنان با دیگران (روابط اجتماعی) است. جای شگفتی نیست که هم وجود اختلال در روابط درون خانواده می‌تواند برای هر کدام از اعضای خانواده سرچشمه‌ی تنش (و حتی بیماری) شود و هم وجود مشکل در یکی از افراد، اختلال و بی‌نظمی در روابط خانوادگی پدید آورد.

البته آن چه که اغلب شاهد آن هستیم این است که اختلال در روابط درون خانواده، نه به علت یک بیماری یا وجود یک اختلال روان‌شناختی، بلکه به طور خیلی ساده به دلیل ندانستن اصول رابطه‌ی صحیح و وجود ارتباطی به هم ریخته و نادرست است و این

خود سرچشمه‌ی نگرانی‌ها، اضطراب، گرفتاری‌ها و یا حتی بیمار شدن بعضی از اعضای خانواده می‌گردد.

جای افسوس فراوان است که در نظام آموزش و پرورش ما و در طول ۱۱-۱۲ سال آموزش انواع و اقسام فرمول‌های فیزیک و شیمی و جبر و مثلثات و دستور زبان فارسی و زبان خارجی و... - که بسیاری از آن‌ها هم در دوران بزرگسالی بیشتر افراد نه به خاطر مانده است و نه اصولاً به کاری می‌آید - حتی نیم‌نگاهی هم به آموزش مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های اجتماعی و روابط بین فردی - یعنی آن چیزی که مانند غذا خوردن یا راه رفتن تا آخر عمر با ما بوده و محتاج آن هستیم - نمی‌گردد. شاید مسئولان آموزش و پرورش بر این باورند که مهارت‌های بین فردی و ارتباطی هم چیزی مثل آب خوردن یا راه رفتن است که همگان آن را خود به خود یاد می‌گیرند و نیازی به آموزش ندارند! در حالی که این‌گونه مهارت‌ها در واقع مانند فن رانندگی یا شنا، مهارت‌هایی آموختنی است و به شرطی نهادینه شده و ملکه‌ی ذهن ما می‌گردد که از کودکی به ما آموخته شود و احتمالاً تا کهن‌سالی نیز مورد بازآموزی و یادآوری قرار گیرد.

من این فرصت را داشتم که پیش از چاپ، نوشته‌های دوست عزیزم آقای احمد پدram را مطالعه کنم. ایشان در این کتاب، پس از توضیح مختصر در مورد انواع خانواده و روابط پیچیده حاکم بر آن‌ها، به انواعی از مشکلات ریز و درشت (اغلب معمولی و در همین حال شایع و مشکل‌ساز) در روابط درون خانوادگی پرداخته است. «پدram» نگرانی‌های شایع پدران و مادران در مورد فرزندان و شیوه‌ی تربیت آنان را (که نگرانی‌های معمول در اغلب خانواده‌هاست) به خوبی



مطرح کرده و در همین حال، با مثال‌های پُرشمار مشهود و ملموس، راه کارهای علمی و عملی برای آنان ارائه نموده است.

راهکارهایی که از یک سو مبتنی بر روش‌های شناختی – رفتاری خانواده درمانی بوده و از سوی دیگر برخاسته از تجربیات شخصی نویسنده است.

از دیگر نکات مثبت کتاب این است که در راستای بیان مهارت‌های خانوادگی از آموزش‌های بزرگان دین و ادب به خوبی بهره جسته است، آموزش‌هایی که دقت در هر کدام، خود دنیای زیبایی از آگاهی‌ها را در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

به همین لحاظ است که خواندن این کتاب را به همه‌ی پدران و مادران، یا آن‌هایی که در آینده پدر و مادر می‌شوند و کسانی که به هر شیوه دستی بر بهداشت روان افراد جامعه دارند، از جمله روان‌پزشکان، روان‌شناسان، مددکاران، جامعه‌شناسان، آموزگاران و استادان و همین‌طور متولیان آموزش و پرورش و بهداشت و درمان توصیه می‌کنم و باز هم افسوس خود را از این که جای آموزش‌هایی از این دست در کنار فرمول‌های فیزیک و شیمی و... در مدارس و حتی دانشگاه‌ها (و همچنین رسانه‌های گروهی) خالی است، ابراز می‌دارم.

دکتر محسن معروفی  
استادیار روانپزشکی  
دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

## شکوفه‌های عشق

کودکی که تازه دیده باز می‌کند  
یک جوانه است  
گونه‌های خوشتر از شکوفه‌اش  
پلوراغ تابناک نانه است  
پون میان گاهواره ناز می‌کند  
فنده‌اش بهار پر ترانه است...

ای نسیم رهگذر به ما بگو  
این جوانه‌های باغ زندگی  
این شکوفه‌های عشق  
از سموم و مشی کدام شوره‌زار  
رفته رفته خار می‌شوند؟

این کبوتران برج دوستی  
از غبار جادوی کدام کهکشان  
گرگ‌های خار می‌شوند؟

به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل  
که گر مراد نیابم به قدر وسیع بکوشم  
(سعدی)

## مقدمه

من به عنوان یک روان‌شناس بالینی در مدت ۲۵ سال کار مشاوره و روان‌درمانی به این نکته پی برده‌ام که بیشتر مخاطبان ما تمایل دارند که سخن خود را به نوعی به پرسش در مورد رابطه‌ی خود با فرزند خویش سوق دهند. این‌گونه پرسش‌ها که در گفت و گوهای روزمره و گفت و شنودهای خانوادگی نیز بارها آن‌ها را شنیده‌ام، نشان‌گر نگرانی‌های جدی پدران و مادران در مورد فرزندان‌شان است. مادران بسیاری را دیده‌ام که به امید تربیت یک «فرزند خوب» به دنبال لیستی از کتاب‌های تربیتی و حتی روان‌شناسی کودک و نوجوان بوده‌اند و با خواندن بعضی از متون ترجمه شده که ناهماهنگ با شرایط اجتماعی و فرهنگی و مذهبی ما بوده، نه تنها مشکل‌شان حل نشده بلکه دچار سردرگمی، یأس و حتی گاهی احساس گناه شده‌اند. در این که پدران و مادران بیشترین کوشش خود را صرف تأمین زندگی خانواده و ایجاد امکانات برای فرزند خود می‌کنند شکی نیست،

## خانواده و تربیت فرزند / ۱۲

این که پدران و مادرانی که نسبت به تربیت فرزند خود سخت‌گیری دارند و هم‌آنهايي که نسبت به خطاهای رفتاری او مسامحه و سهل‌انگاری می‌نمایند، هر دو خواست و آرزوی تربیت فرزندى نیک‌کردار و کارآمد را دارند، نیازی به توضیح و دفاع ندارد. اما آن چه قابل توجه بوده و نیاز به برخورد نقّادانه دارد این است که اغلب از خود نمی‌پرسیم که به راستی چه کسی رفتار درست با فرزند را به پدرها و مادرها آموخته و چه افرادی سرپرستی این آموزش را باید داشته باشند؟

متأسفانه در توجیه مشکلات رفتاری کودکان رسم بر این است که پدران و مادران متهم به کوتاهی و ندانم‌کاری می‌گردند. پدران و مادرانی که معمولاً همه‌ی زندگی خود را صرف بزرگ کردن و پرورش فرزندان خود کرده‌اند.

به طور معمول در ارتباط با خانواده‌ی افراد بزه‌کار و افراد معتاد یا مشکلات تحصیلی و یا کسانی که دچار مشکل جدّی روان‌پزشکی می‌شوند، همه‌ی سهم بیولوژیکی و زمینه‌های اجتماعی نادیده گرفته شده است و فقط پدر و مادر، گناهکار قلمداد می‌شوند. گاهی تحمّل فشار دوم و احساس بی‌کفایتی در این رابطه بسیار بیشتر از فشار مستقیم تربیت فرزند است.

مادر توسط همسرش سرزنش می‌شود که: «تو بچه‌داری بلد نیستی!» پدر توسط همسرش یا مادر خودش بازخواست می‌شود که: «طرز رفتار با بچه که این طور نیست»، عروس نگران قضاوت مادر شوهر خود یا مادربزرگ بچه است «والله زمان ما تربیت بچه‌ها بهتر

بود، نمی دانم چرا بلد نیستید با بچه حرف بزنید.»، مادر بزرگ همیشه پند می دهد «مادرجان بچه هر غذایی دوست دارد باید برایش بپزی» پدر بزرگ سفارش می کند «بچه را این قدر هم نباید لوس کرد»، خان عمو، مادر بزرگ، خان دایی و گاهی همسایه و از همه مهم تر برنامه های جورواجور رادیو و تلویزیون همگی در این ارتباط اغلب داد سخن داده و پدر و به ویژه مادر از این همه سفارش و آن همه سردرگمی دچار فشار روانی بیشتری می شود، چنان که گاه از همه ی اطلاعات خود دست شسته و در بعضی موارد با فرزند خود چنان رفتار خشنی انجام داده یا برعکس، نسبت به او بی تفاوتی می شود که بعدها خود نیز از این رفتار شگفت زده و دچار احساس گناه گردیده و برای جبران آن به فعالیت های دیگری می پردازد و باز پس از مدتی همین چرخه ی نادرست تکرار می شود.

به راستی چه کسی باید مهارت های پدری و مادری را به پدران و مادران بیاموزد؟ افزایش کارآیی پدران و مادران یا آموزش آنان، به عهده ی چه کسانی و یا چه نهادهایی است؟ پدید آوردن این مهارت ها و تقویت یا اصلاح آنان از چه زمانی باید شروع شود؟ در چه مقطعی نیاز به بازآموزی وجود دارد؟ آیا برنامه ای مقطعی است یا همواره باید این گونه آموزش ها تداوم داشته باشد؟ آیا سرپرست می خواهد یا خودآموزی را می طلبد و بالاخره آیا لازم است داوطلبانه باشد یا اجباری؟

هر چه هست، پدران و مادران از طرفی خسته از فشارهای روزمره ی تأمین زندگی و از طرفی دیگر نگران موضوعات فوق هستند و گاه

مشکلات زناشویی آن‌ها موجب جابه‌جایی فشار روی فرزندان شده و گاهی نیز مشکلات فرزندان روابط زن و شوهری آن‌ها را مختل می‌کند. با توجه به چرخه‌ی زندگی، برخورد با فرزند خردسال، نوجوان و جوان، - و همچنین برخورد با فرزندی که ازدواج نموده و در همین حال با وجود تشکیل خانواده و مستقل شدن، باز هم در روابط عاطفی و اجتماعی و مشکلات اقتصادی گاه راهنمایی‌هایی را از پدر و مادر می‌طلبد - نشان می‌دهد که کارآیی پدر و مادر در کمک به رشد همه جانبه‌ی فرزند، تا هنگام پایان زندگی‌شان، نقش مهمی دارد. هر چه توانایی آن‌ها در این ارتباط در مقاطع مختلف بیشتر باشد، هم خودشان به احساس رضایت و کفایت بیشتری می‌رسند و هم انتقال چنین تجربیاتی به فرزندان، نسل بعد را نیز مورد آموزش و حمایت قرار می‌دهد.

نگارنده در کتاب حاضر تلاش دارد پدران و مادران را از زیر فشار احساس بی‌کفایتی و احساس گناه نجات دهد و یا این احساسات منفی را به کمترین اندازه برساند. نگاهی درست به رابطه‌ی سیستمی و نقش سرشت و مخصوصاً جامعه همچنین نقش اندیشیدن و شناخت در رابطه با فرزند و جایگاه و نقش مهم روابط زن و شوهری در کامیابی و احساس رضایت در نقش پدر و مادری، خواننده را از گرفتار بودن در یک چرخه‌ی نادرست نجات می‌دهد. توجه به خویش، توجه به همسر، رسیدن به احساس رضایت در رابطه با خود و همسر و به موازات آن، احساس کفایت از «مادر» یا «پدر» بودن می‌تواند به رابطه‌ای کارآمد در درون خانواده منجر شود. پدر و مادر بدون

درگیری شدن در تنش‌های مقایسه‌ای و اصرار در نسخه‌پیچی برای رفتار با کودک و یا بدون نیاز به دستورالعمل‌هایی نظیر دستورالعمل‌های آشپزی (!)، با احساسات و افکار درونی خود آشنا شده و با تفکری مثبت، رابطه‌ای کارآمد، کلامی گرم و صمیمانه، به احساس قدرت، کفایت برسند و در عین حال با پذیرش منطقی کامل نبودن خود، در رابطه با همسر خویش و فرزندشان تلاش سودمند و صمیمانه‌تری داشته باشند. آنها بپذیرند که مادر و پدر خوب به معنای کامل بودن نیست بلکه به معنای کافی و در حد توان عمل نمودن به همه‌ی نقش‌هاست.


انسان کامل بودن و تربیت فرزند بدون خطای رفتاری و آرزوی داشتن فرزندی دارای مدرک دکترا یا مهندسی یا حقوق که اغلب حاصل ناکامی‌های دوران کودکی پدر و مادر است و همچنین داشتن روابطی بدون استرس، گمان‌هایی ایده‌آل‌گرایانه است که خود موجب افزایش تنش و استرس بیشتر در خانواده می‌شود؛ از طرف دیگر تلاش برای بهره بردن از کانون گرم خانواده، احساس شادمانی از حضور در میان خانواده، لذت بردن از لبخند خود، همسر، فرزند و احساس رضایت از حل مشکلاتی که همیشه برای هر خانواده‌ای به هر حال پیش می‌آید، تداعی مفهوم عشق به همسر و عشق به خانواده است، چرا که:


**عشق یعنی خویش را پیراستن      ذره ذره از خطاها کاستن**


## خانواده و تربیت فرزند / ۱۶


در خاتمه لازم می‌دانم از همه‌ی استادان و همکاران محترمی که در نوشتن کتاب حاضر راهنمایی‌های ارزنده‌ای را ارائه نموده و از مراجعه‌کنندگان عزیزی که نگارنده را تشویق به نوشتن کتاب حاضر نموده‌اند و به ویژه از همکار ارجمند و گرانقدر خود جناب آقای دکتر محسن معروفی - استاد دانشگاه علوم پزشکی اصفهان - که با ارائه‌ی نظرات و کمک‌های بی‌شائبه‌ی خود برای چاپ کتاب حاضر، مرا از تردیدها و دودلی‌ها رهانیده‌اند، قدردانی و سپاسگزاری نمایم.

دکتر احمد پدram

 Ahmad\_Pedram1335@yahoo.com

 @Ahmad\_pedram

 www.espadana-pedram.org

 Dr.Ahmad Pedram



## پروردن و ادب کردن کودکان

بدان که فرزند امانتی است اندر دست پدر و مادر، و دل وی پاک است چون جوهر نفیس، و نقش‌پذیر چون موم، و از همه‌ی نقش‌ها خالی است، و چون زمین پاک است که هر تخم که اندر وی افکنی، بروید؛ اگر تخم خیر افکنی به سعادت دین و دنیا رسد، و مادر و پدر و معلم اندر ثواب شریک باشند، و اگر به خلاف این بود بدبخت باشد، و ایشان بر هر چه بر وی رود شریک باشند، که حق تعالی همی گوید: «قوانفسکم و اهلیکم ناراً» و کودک را از آتش دنیا نگاه‌داشتن اولی‌تر که از آتش دوزخ نگاه دارند، و نگاه داشتن وی آن بود که وی را به ادب دارد، و اخلاق نیکو به وی آموزد، و از قرین بد نگاه دارد که اصل همه‌ی فسادها از قرین بد خیزد. و او را اندر تنعم و جامه‌ی نیکو آراستن خو نکند که آن‌گاه از آن صبر نتواند کردن، و همه‌ی عمر اندر طلب آن ضایع کند، بلکه در پاکی او اندر ابتدا جهد کند تا آن که وی را شیر دهد به صلاح و نیکوخوا و حلال‌خوار بود که خوی بد از دایه سرایت کند، و شیری که از حرام حاصل آید، پلید بود و چون گوشت و پوست کودک از آن بروید، طبع وی را با آن مناسبتی پدید آید که پس از بلوغ ظاهر شود... و چون چنان شود که از بعضی چیزها شرم دارد، این

بشارتی بود، و دلیل آن بود که هر که نور عقل بر وی افتاد از شرم شحنه‌ای سازد که وی را بر هر چه زشت باشد، تشویر همی دهد...  
و چون کودک کاری نیک بکند، و خوی نیکو بر وی پدید آید، وی را اندر آن مدح کند و چیزی دهد وی را که بدان شاد شود، و اندر پیش مردمان بر وی ثنا کند، و اگر خطایی کند یا گوید، یک یا دو بار نادیده انگارد تا سخن خوار نشود، و اگر بسیار با وی گفته آید دلیر شود و آشکارا بکند، و چون معاندت کند، یک بار اندر سر توبیخ کند و گوید: «زنهار تا کسی از تو این نبیند و نداند که رسوا شوی میان مردمان و تو را به هیچ کس ندارند!»... و هر روز یک ساعت او را از بازی باز ندارد، تا فرهیخته شود و دل تنگ نشود که از آن بدخوی گردد و کوردل شود...  
و بسیار نگوید، و البته سوگند نخورد و تا نپرسند، سخن نگوید...

(ابو حامد غزالی، کیمیای سعادت)

عشق یعنی خانه‌ای، کاشانه‌ای  
سایه‌بانی از پر پروانه‌ای  
(پدرام)

## خانواده و انواع آن

تعریف خانواده و تجسم خانه اغلب در ذهن افراد، وجود پدر و مادری با فرزند یا فرزندان در زیر یک سقف را ترسیم می‌کند، اما به طور معمول خانواده فقط همین شکل کلیشه‌ای موجود در ذهن ما را ندارد. حتی خانواده‌ی سنتی نیز تغییرات بنیادی را تجربه کرده است. تا یکی دو دهه‌ی قبل شوهرها گوشت به خانه می‌آوردند و زنان آن را می‌پختند، اما امروزه در جوامع غربی فقط ۲۲٪ از زوج‌های متأهل را مردان نان‌آور و زنان خانه‌دار تشکیل می‌دهند. به طور حتم در جامعه‌ی ما نیز این بافت سنتی در حال تغییر است، ولی به هر حال ما خانه و خانواده را جایگاهی برای آرامش، شادی و رفع تنش‌های روزمره و مأمنی برای عشق و محبت خود می‌پنداریم.

شکل‌های گوناگون خانواده نشان می‌دهد که متأسفانه تعریف مفهوم خانواده‌ی طبیعی و بهنجار نه تنها غیر عملی است، بلکه می‌تواند آسیب‌زا باشد.

## خانواده و تربیت فرزند / ۲۰

در حال حاضر می‌توان خانواده‌ها را به شکل‌های هسته‌ای (یعنی پدر و مادر و فرزند)، خانواده‌ی گسترده (وجود پدر و مادر در کنار پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و یا چند عروس و داماد در یک خانواده یا مجموعه‌ای آپارتمانی) خانواده‌های تک‌والدی (پدر و فرزندان یا مادر و فرزندان) و خانواده بدون فرزند و یا خانواده‌های با ازدواج مجدد و وجود نامادری یا ناپدیری و یا خانواده‌های دارای فرزند خوانده تصور کرد. افزون بر این که افرادی نیز از خانواده‌ی هسته‌ای جدا شده و زندگی مجردی را شروع کرده و ادامه می‌دهند.

چگونگی کار کردن پدر و مادر در خانواده نیز شکل‌های مختلفی داشته و به طور حتم تعامل‌های متفاوتی را نشان می‌دهد که نشان‌گر تفاوت سیستم در خانواده‌های مختلف است.

خانواده‌ای که فقط پدر کار می‌کند، خانواده‌ی با پدر و مادر شاغل، خانواده‌ی با پدر دو شغلی و مادر یک شغلی و یا خانواده‌ای که پدر و مادر دو شغلی بوده و یا خانواده‌ی با پدر و مادر همکار، همگی فرم‌هایی از روابط متفاوت را پدید می‌آورد که شیوه‌ی ارتباط آن‌ها را با یکدیگر و با فرزندان به شکل‌های مختلفی ترسیم می‌کند و می‌توان تعامل‌های گوناگونی را از آن‌ها انتظار داشت.

وقتی به خانواده و ساختارهای متفاوت آن از لحاظ نوع و درآمد نگاه می‌کنیم می‌توان به این موضوع از لحاظ چگونگی ترکیب و روابط خانواده نیز توجه نمود و رابطه‌ی کودک و پدر و مادر را مورد توجه قرار داد.